

تحلیل غرب‌گرایانه از نتایج انقلاب اسلامی

مرتضی شیرودی



نویسنده: نیکی آر. کدی
محل نشر: تهران
سال چاپ: ۱۳۸۳

نام کتاب: نتایج انقلاب اسلامی
ترجمه: مهدی حقیقت خواه
ناشر: ققنوس
تعداد صفحات: ۱۷۴ صفحه.

چکیده

نیکی کدی کتابش را با این جمله‌ها آغاز می‌کند: امسال (۱۳۸۲/۲۰۰۳) بیست و پنجمین سالگرد انقلاب ایران خواهد بود؛ بنابراین، زمان مناسبی برای مرور کردن پیشینه تاریخی انقلاب ایران و هم تحول ناشی از سال ۱۳۵۷ است؛ البته نگارش هر تاریخی در مورد ایران، به ناچار تفسیرها و انتقادهایی را در بر دارد؛ از این رو هر چه می‌نوشتیم، اختلاف نظرهایی را برمی‌انگیخت. اکنون (۱۳۸۲/۲۰۰۳) که در امریکا مشغول نوشتن در این باره هستیم، متوجه این نکته‌ام که بسیاری از ویژگی‌های بدی که در امریکا موجود است، در ایران کمتر به چشم می‌خورد؛ از جمله شکاف عظیم در توزیع و درآمد، عنایت به ثروتمندان، تکبر در مورد گذشته و آینده کشور و غیره. با آگاهی از این مسأله، وی به تحریر حوادث پس از انقلاب اسلامی می‌نشیند. افزون بر این، همه اطلاعات و نقد او از جامعه پس از انقلاب، مطابق واقع نیست که به برخی از اساسی‌ترین آن‌ها در بخش نقد می‌پردازیم. قبل از نقد، ارائه خلاصه‌ای از کتاب، به همان صورتی که نگاشته شده، برای فهم نقدی که بر آن آورده‌ام، لازم به نظر می‌رسد.

مقدمه

متنی که پیش رو دارید، تلخیص و نقدی است از نتایج انقلاب ایران، نیکی آر. کدی، ترجمه مهدی حقیقت خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۳) ۱۷۴ ص. این کتاب در سال ۱۳۸۲ / ۲۰۰۳ در امریکا و ترجمه آن، یک سال بعد، در شمارگان ۳۳۰۰ نسخه در ایران منتشر شد. کتاب شامل بخش‌های پیشگفتار، سیاست و اقتصاد در ایران قبل و پس از امام خمینی علیه السلام، جامعه، جنسیت و فرهنگ است.

خلاصه کتاب

سیاست و اقتصاد در دوره آیت الله خمینی

پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، آیت الله خمینی، مهدی بازرگان غیرروحانی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. امام خمینی، برای هر شهر امام جمعه منصوب کرد؛ نوعی دولت موازی به نام شورای انقلاب اسلامی پدید آورد و شاگردانش بهشتی و آیت الله منتظری نیز وی را یاری دادند. گروه‌های فراوانی در اواخر سال ۱۳۵۷، با برنامه‌های بسیار متفاوت پا به عرصه گذاشتند که برخی از آن‌ها اجازه راهیابی به دولت را یافتند. نهضت آزادی، حزبی لیبرال، ملی‌گرا و اسلامی، و حزب جمهوری خلق مسلمان، از جمله آن احزاب بودند؛ در حالی که چپ‌گرایان چنین اجازه‌ای نیافتند. نهضت آزادی قوی بود، و رهبری آن را مهدی بازرگان در اختیار داشت. جبهه ملی، جبهه دموکراتیک ملی، مجاهدین خلق نیز در صحنه حاضر بودند. پیروان امام خمینی، در حزب جمهوری اسلامی متمرکز بودند. چهره برجسته آن، بهشتی به شمار می‌رفت. این حزب، با سپاه پاسداران و گروه خشونت‌طلب حزب‌الله، پیوند داشت.

زمان نخست‌وزیری بازرگان، اقتدار دولت تقریباً وجود نداشت. گروه‌های قومی و چپ‌گرایان در حال شورش بودند. تولید نفت پایین بود. بیکاری و تورم بالا بود. افراد آموزش‌دیده گریخته بودند، و... کمیته‌ها که در نیمه دوم ۱۳۵۷ در همه جا سر برآوردند، و اعتصاب و تظاهرات را هماهنگ می‌کردند، حضوری فعال داشت. بنیاد نوپای مستضعفان، دارای‌های پهلوی در غرب را دریافت، و از آن‌ها برای استخدام کارگران، از توده مردم استفاده کرد. جهاد سازندگی، بسیج را به مناطق روستایی اعزام کرد تا به نیازمندان کمک کنند.

آیت‌الله خمینی بر برگزاری رفراندوم اولیه که به مردم اجازه دهد به نفع یا ضد برپایی جمهوری اسلامی رأی دهند، پای می‌فشرد. سرانجام آرای مثبت ۹۸ درصد اعلام شد. وظیفه بعدی تهیه پیش‌نویس قانون اساسی بود. ابتدا پیش‌نویس تهیه، سپس از سوی مجلس خبرگان با ۷۳ عضو بازبینی شد. در آغاز کار مجلس، ۵۵ کرسی در اختیار روحانیان بود، و چند سکولاریست هم انتخاب شدند. در قانون اساسی جدید، اصل پنجم در مورد ولایت فقیه بود، و اصول بعدی اختیارات او را برمی‌شمرد. و همچنین آموزش و پرورش رایگان، اصول ریشه کن کردن فقر و جلوگیری از سلطه بیگانگان و... در آن آمده بود.

آیت‌الله خمینی، روحانیان را از نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۹ منع کرد. در این انتخابات، بنی‌صدر بیشترین رأی را آورد. بنی‌صدر به سبب عقایدش و طرفداری از

برنامه‌هایی نظیر ملی کردن صنایع، میان چپ‌گرایان پشتیبانی می‌شد. ریاست مجلس در آن زمان به عهده هاشمی رفسنجانی بود. مجلس چندین کاندیدای بنی‌صدر را برای نخست‌وزیری رد کرد، و سرانجام محمدعلی رجایی نخست‌وزیر شد. بعدها، مناقشاتی بین حزب جمهوری اسلامی به رهبری بهشتی و بنی‌صدر رخ داد، و امام خمینی دو طرف را وادار به مصالحه کرد؛ اما در بهار ۱۳۶۰ از بنی‌صدر دست شست.

در اردیبهشت ۱۳۵۹ امام خمینی، شورای انقلاب فرهنگی را با ۷ عضو منصوب کرد. در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ صدام به ایران حمله کرد. صدام حسین گمان می‌کرد ایران ضعیف و آسیب‌دیده است، و جمعیت عرب منطقه خوزستان به او کمک خواهند کرد؛ اما اشتباه می‌کرد. در ماجرای گروگان‌گیری، بنی‌صدر دو طرح را مطرح ساخت؛ اما با آن‌ها موافقت نشد؛ بدین جهت، بنی‌صدر بحران گروگان‌گیری را رها ساخت و در آن زمان بر جنگ متمرکز شد. در سال ۱۳۵۹ ایالات متحده در عملیاتی برای نجات گروگان‌ها چند هلی‌کوپتر را به ایران اعزام کرد؛ اما ناموفق بود. پس از آن، دو طرح کودتا در ماه خرداد و مرداد کشف شد، و تعدادی از افسران دستگیر شدند. جبهه ملی به توطئه در کودتا متهم شد، و حزب‌الله، دفتر مرکزی آن را گرفت؛ روزنامه‌هایش را بست؛ سپس پاک‌سازی دستگاه اداری و ارتش صورت گرفت. شرایطی برای حل و فصل بحران گروگان‌گیری از طرف امام خمینی تعیین شد که پذیرفته شد و مبلغی صورت (دارایی‌های بلوکه شده ایران و ثروت شاه) که باید انتقال می‌یافت، کمتر از مقداری بود که ایران ادعا داشت، و قسمتی نیز صرف بدهی‌های ایران به بانک‌های ایالات متحده شد.

در مراسم سخنرانی بنی‌صدر درگیری صورت گرفت، و او به پلیس دستور داد، آن‌ها را دستگیر کند. پس از آن مسائلی پیش آمد؛ از جمله، بنی‌صدر دولت رجایی را به نقض حقوق بشر، شکنجه و سانسور متهم کرد. مجلس سرانجام بنی‌صدر را فاقد صلاحیت اعلام کرد. روزنامه او بسته شد؛ از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شد، و امام خمینی سرانجام او را عزل کرد.

مجاهدین خلق از سال ۱۳۵۷ روابط بدی با پیروان آیت‌الله خمینی داشتند. از شورش کردها حمایت و با ولایت فقیه مخالفت می‌کردند. امام خمینی آن‌ها را منافقین نامید. آن‌ها در خرداد ۱۳۶۰ در دفاع از بنی‌صدر تظاهرات کردند. حزب‌الله آن‌ها را عقب راند. در تیرماه بمبی منفجر شد که بیش از ۷۲ نفر، شامل بهشتی، ۴ وزیر، ۲۵ نماینده و... کشته که مجاهدین مسؤول شناخته شدند، و سرانجام هزاران نفر آن‌ها از ایران گریختند. رجوی و بنی‌صدر در مرداد ۱۳۶۰ به فرانسه گریختند و شورای ملی مقاومت را که جبهه دموکراتیک و حزب دموکرات کردستان نیز به آن پیوستند، تشکیل

دادند. در مرداد ۱۳۶۰ رجایی رئیس جمهوری، و باهنر، نخست وزیر شد؛ اما انفجار یک بمب باعث کشته شدن آنها شد. در مهرماه در انتخابات ریاست جمهوری، علی خامنه‌ای به رئیس جمهوری دست یافت.

فعالیت مجاهدین به نفع عراق در جنگ ایران و عراق سبب شد. جبهه دموکراتیک ملی و بنی‌صدر، از شورای ملی مقاومت خارج شدند، و در سال ۱۳۶۵ فرانسه آنها را به ترک پاریس واداشت و بعد به بغداد رفتند و تا ۱۳۸۲ متحد دولت صدام بودند. اتحادیه کمونیست‌ها، حزب دموکرات کردستان و حتی حزب توده و فداییان اکثریت، تا اردیبهشت ۱۳۶۲ یا نابود، یا غیرقانونی اعلام شدند، و فقط حزب جمهوری اسلامی و نهضت آزادی، اجازه فعالیت داشتند. در فروردین ۱۳۶۱ قطب‌زاده به جرم این‌که براندازی حکومت را طرح‌ریزی کرده و شریعتمداری به جرم آگاه بودن از این طرح، محکوم شدند. قطب‌زاده اعدام و شریعتمداری تحت بازداشت قانونی قرار گرفت.

دانشگاه‌ها پس از پاک‌سازی به تدریج بازگشایی می‌شدند. در آذر ۱۳۶۱ مجلس خبرگان رهبری، انتخاب شدند، و در آبان ۱۳۶۴ آیت‌الله منتظری را در مقام جانشین امام خمینی برگزیدند. در اسفند ۱۳۶۴ خامنه‌ای دوباره رئیس جمهوری شد. نخبگان جدید در آن دوره سه جناح بودند: ۱. چپ اسلامی؛ ۲. راست اسلامی و بعدها ۳. عمل‌گرایان یا راست‌مدرن؛ اما نخبگان متحد و کارآمد بودند و اصلاحات بسیاری در جهت خدمت به مردم انجام دادند. در مرداد ۱۳۶۱ شورای عالی قضایی تمام قوانین حقوق مدرن غیراسلامی را بی‌اعتبار اعلام کرد.

چپ اسلامی درون حزب جمهوری اسلامی بر قدرت خود افزود، و در سال‌های ۶۷ - ۱۳۶۳ اکثریت مطلق را در مجلس در اختیار داشت. در ارتباط با غرب، علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه کوشید به اروپا نزدیک‌تر شود. در اواسط آبان ۱۳۶۵ یک روزنامه کوچک بیروتی به نام الشراع، فروش جنگ‌افزارهای امریکایی به ایران را فاش ساخت. ماجرا چه در ایران چه در امریکا با برآشفستگی عمومی مواجه شد. آثار جنگ، سقوط بهای نفت و . . . مصیبت‌بار بود. افشای ماجرای ایران گیت که رخداد اصلی در سیاست خارجی ایران در دهه ۶۰ بود، به ایران آسیب رساند؛ چرا که ایالات متحده تصمیم گرفت موضع شدیدی در برابر ایران اتخاذ کند. در این جهت، جنگ‌افزار و مواد شیمیایی در اختیار دولت عراق قرار داد، و البته بعد به دروغ اعلام کرد در حملات با سلاح‌های شیمیایی به کردها، خود ایران تا حدی مسؤول است و از این داستان برای جلوگیری از محکومیت بین‌المللی عراق استفاده کرد. از شهریور ۱۳۶۶ تا فروردین ۱۳۶۷ ایالات متحده چند کشتی و سکوی نفتی

ایران را از بین برد، و در ۱۲ تیر، هوایمای مسافربری ایران را به اشتباه، اما با توجه به اطلاعات در دسترس ناخدا با بی‌پروایی هدف قرار داد، و ۲۹۰ نفر کشته شدند.

در اواخر جنگ، فرماندهی نیروهای مسلح از خامنه‌ای به رفسنجانی انتقال داده شد. سرانجام ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ امام خمینی گفت: این تصمیم برای او از زهر تلخ‌تر است؛ اما برای نجات انقلاب ضرورت دارد. منتظری در سال ۱۳۶۷ از حمایت از صدور انقلاب دست کشید. او می‌گفت: ایران باید فقط یک نمونه و الگو باشد. امام خمینی در بهمن ۱۳۶۷ منتظری را مورد انتقاد قرار داد و در اسفندماه، منتظری از مقامش عزل شد. امام خمینی در بهمن ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای حل اختلاف دائم بین مجلس و شورای نگهبان تشکیل داد. در اردیبهشت ۱۳۶۸، قانون اساسی مورد بازبینی قرار گرفت. در حالی که در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، امام خمینی درگذشته بود، مجلس خبرگان در ۱۵ خرداد خامنه‌ای را به ولایت فقیه برگزید و رفسنجانی فقط در مقابل یک رقیب، برنده قاطع رئیس جمهوری شد.

سیاست و اقتصاد در ایران پس از آیت الله خمینی

این مقطع، شامل ۲ دوره اصلی است: اول از ۱۳۶۸ تا بهار ۱۳۷۶: ریاست جمهوری رفسنجانی عمل‌گرا که با رهبری خامنه‌ای، متحد بود. دوم، در سال ۱۳۷۶ به بعد خاتمی و دیگر اصلاح‌طلبان که با اکثریت عظیم پیروز شده بود.

در مرداد ۱۳۶۸ هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری انتخاب شد و مهدی کروبی جای او را در ریاست مجلس گرفت. ایران با خسارت‌ها و کمبودهای عظیم حاصل از جنگ مواجه بود. هدف رفسنجانی بازسازی ویرانه‌های جنگ، بهبود زیرساخت‌ها، افزایش تولید رشد از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی و جاری بود. اقدام‌ها شامل بازگشایی بورس تهران، خصوصی شدن برخی از کارخانه‌های دولتی، ایجاد مناطق آزاد تجاری در کیش و قشم، کاهش یارانه‌های دولتی، تک نرخی کردن ارز، کاهش پول در گردش، ترویج صادرات کشاورزی و... بود.

کلینتون در اردیبهشت ۱۳۷۴ ایران را تحریم اقتصادی کرد. این قانون جلو برخی از سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز را گرفت. ایران در بحران کویت و جنگ خلیج فارس در سال ۱۳۷۰ موضع بی‌طرفی اعلام کرد که به بازسازی روابط با چندین دولت غربی انجامید. تا سال ۱۳۷۱ بهای نفت بالا بود و پیشرفت اقتصادی حاصل آمد؛ اما در آزادی‌های سیاسی هیچ افزایشی به وقوع نپیوست.

مجلس چهارم، جامعه روحانیت مبارز را که محافظه کار و از پشتیبانی بازار بهره‌مند بود، تقویت کرد. یکی از آن‌ها ناطق نوری بود که به ریاست مجلس انتخاب شد، و چپ‌گرایان اسلامی قدرت را از دست دادند. رفسنجانی در سال ۱۳۷۲ برای دومین بار، در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. او با انتقاد چپ و راست روبه‌رو بود. بهای نفت سقوط کرده بود. بدهی از ۹ میلیارد در سال ۱۳۷۰ به ۳۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت. نرخ تورم به بیش از ۳۰ درصد در سال و در یک سال به ۴۹ درصد رسید، و ارزش ریال به شدت سقوط کرد. رفسنجانی در آغاز، روابط با اروپا و جهان عرب را بهبود بخشید؛ اما بین سال‌های ۷۶-۱۳۷۱ با دشمنی فزاینده ایالات متحده روبه‌رو شد. موضوعاتی که دولت کلینتون در مخالفت خود با ایران استناد می‌کرد: ۱. دشمنی ایران با فرایند صلح اعراب و اسرائیل؛ ۲. حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی؛ ۳. دنبال کردن برنامه انرژی هسته‌ای و یک سری قتل‌هایی که از دهه ۱۳۷۰ به بعد در خارج از کشور رخ داد. این قتل‌ها را به ایران نسبت دادند؛ البته در این مورد اتفاق نظر وجود ندارد.

در سال ۱۳۷۶ مدت رئیس جمهوری رفسنجانی به پایان رسید و از طرف رهبری، در جایگاه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد. نامزدهای ریاست جمهوری عبارت بودند از محمد خاتمی، ناطق نوری و دو تن دیگر. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که اکثر مردم انتظار داشتند، خاتمی پیروز شود. خاتمی از آغاز فعالیت از پیروان امام خمینی بود. او سمت‌های مختلفی به عهده داشت و فردی روشنفکر شناخته می‌شد. خط مشی خاتمی که خواستار آزادی‌های بیشتر، تقویت جامعه مدنی، حقوق بیشتر برای زنان و... بود، میان جوانان، دانشجویان، زنان، اقلیت‌ها و سنی‌ها پرطرفدار بود. ناطق نوری برعکس خط مشی و رویکردی مطابق وضع موجود داشت. در خرداد ۱۳۷۶ خاتمی با اکثریت قاطع ۶۹ درصد آرا برگزیده شد.

چپ‌گرایان اسلامی به تدریج مواضع رادیکال را کنار گذاشتند، و پذیرای دموکراسی شدند که مهم‌ترین بخش ائتلاف خاتمی را تشکیل می‌داد. پس از انتخابات، برخی جبهه مشارکت ایران اسلامی را بنیان گذاشتند که به تشکیلات اصلی اصلاح‌طلبان انجامید. ائتلاف طرفداران اصلاحات، دوم خردادی نام گرفت که شامل گروه‌های چپ اسلامی، کارگزاران سازندگی میانه‌رو و دیگران می‌شد.

در کابینه، خاتمی هیچ زنی را به مقام وزارت منصوب نکرد؛ اما معصومه ابتکار را به معاونت ریاست جمهوری برگزید. او مجبور شد کاندیدای محافظه کاران را در جایگاه وزارت اطلاعات بپذیرد. در دوره خاتمی آزادی مطبوعات، بهبود روابط با غرب و کشورهای عربی، برگزاری اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی تهران در آذر ۱۳۷۶، سفر به پایتخت‌های خارجی نظیر رم و پاریس، پایان

دادن به مسأله سلمان رشدی، افزایش روابط اقتصادی و تجاری با اروپا و روسیه پدید آمد، و روسیه جنگ‌افزار و فن‌آوری انرژی هسته‌ای را در اختیار ایران قرار داد. دولت خاتمی گام‌هایی در جهت بهبود اقتصاد برداشت. حقوق کارکنان دولت را افزایش داد. او یارانه‌ها را فقط به کالاهای ضرور محدود کرد. با تمام اصلاحات و تلاش، نفت هنوز ۴۰ تا ۵۰ درصد مستقیم درآمد دولت و ۸۰ درصد درآمد صادراتی را تأمین می‌کرد.

در فروردین ۱۳۷۷ قوه قضائیه، کرباسچی شهردار اصلاح‌طلب تهران را به فساد مالی متهم کرد. در تیر ۱۳۷۸ قوه قضائیه گفت: مطبوعات از آزادی سوءاستفاده می‌کنند و برخی از روزنامه‌ها بسته شدند. در بهمن ۱۳۷۷ خاتمی نخستین انتخابات شورای شهر و روستا را برگزار کرد. در سال ۱۳۷۸ مقام‌های قضایی، روزنامه سلام را به سبب انتشار سندی که لایحه مطبوعات را با قتل‌های زنجیره‌ای مرتبط می‌کرد، توقیف کرد. در ۱۷ تیر بسیاری از دانشجویان دانشگاه تهران تظاهراتی را برپا کردند. شب پلیس به خوابگاه دانشجویان حمله برد. یک دانشجو کشته و بسیاری مجروح و عده‌ای بازداشت شدند. به دنبال این حادثه تظاهراتی سازماندهی شد و به شهرهای دیگر از جمله تبریز نیز سرایت کرد. در ۲۱ تیر، تظاهرات ممنوع اعلام شد. رهبری، رئیس تندرستی قوه قضائیه، یعنی یزدی را با یک محافظه کار مشهور به واقع‌بینی، آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی عوض کرد. در دور دوم انتخابات در اردیبهشت ۱۳۷۹ پیروزی اصلاح‌طلبان تثبیت شد. رفسنجانی با دریافت این نکته که نمی‌تواند رئیس مجلس شود، کناره‌گیری کرد. مهدی کروبی از اصلاح‌طلبان میانه‌رو رئیس مجلس شد. بهزاد نبوی و محمدرضا خاتمی، معاونان رئیس مجلس شدند. خاتمی در خرداد ۱۳۸۰ دوباره رأی آورد. شاید بزرگ‌ترین دستاورد خاتمی کمک به رواج اندیشه دموکراسی و تا حدی بازتر کردن دولت بوده است. زنان نقش فزاینده در جامعه کسب کردند. خاتمی بحث پیشین درباره اسلام امریکایی، در برابر اسلام ناب را به بحث تمایز اسلام مسالمت‌جو و اسلام سرکوبگر طرفدار خشونت تغییر داد. اخیراً همه‌پرسی‌های انجام شده نشان می‌دهد ایرانیان خواستار تغییر و اصلاح در حکومت هستند. خلاصه تحولات اجتماعی و سیاسی نشان می‌دهد که در درازمدت، نیروهای مردمی آن قدر نیرومند خواهند بود که باعث تغییرات قابل توجه شوند.

جامعه، جنسیت، فرهنگ و زندگی فکری

جامعه، آموزش، بهداشت: برخی تغییرات اجتماعی مهم بر اثر تلاش‌های عمدتاً توفیق‌آمیز در جهت بهبود زندگی جمعیت روستای صورت گرفته است؛ از جمله مراقبت‌های بهداشتی، گسترش

تمام سطوح آموزش برای هر دو جنس به سراسر کشور، گسترش شهرنشینی، کاهش رشد جمعیت، جاده‌سازی، لوله‌کشی آب، تأمین برق، درمانگاه، مدرسه و کانال‌های آبیاری و... .

آموزش و بهداشت عمومی در عرصه آموزشی مدارس از بودجه دولتی، یارانه دریافت می‌کردند. ساخت مدارس در روستاها و نواحی فقیرنشین، افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده، افزایش دختران پذیرفته شده در دانشگاه‌ها، سوادآموزی بزرگسالان، ایجاد شبکه مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای توده مردم، کاهش نرخ مرگ و میر مادران و نوزادان، تنظیم خانواده رایگان از نو برقرار شد، و کمی پس از آن مجاز شدن عقیم‌سازی و بسیاری موارد دیگر از جمله کارها و اصلاحاتی بود که انجام شد. مشکلات ناشی از آیدز و مواد مخدر قابل توجه است که با برنامه‌های مختلف و مراکز ترک اعتیاد و اطلاع‌رسانی بیشتر به مردم ضد این دو مورد، مبارزه ادامه دارد.

انقلاب فرهنگی در سال ۶۲ - ۱۳۵۹ باعث ضعیف شدن ایران در علم و فن‌آوری شد که برای توسعه مورد نیاز بود. از جمله جداسازی جنسی در مکان‌های عمومی، مقررات لباس پوشیدن، سانسور و برخی محدودیت‌ها در رابطه با فیلم و...؛ البته اکنون آزادی‌های بیشتری وجود دارد. مشارکت فعال زنان در عرصه سیاست‌های انقلابی خودآگاهی بسیاری از زنان طبقه عامه را درباره توانایی سیاسی خود بیدار کرد. تحصیل دختران مورد تشویق قرار گرفت. مخالفت‌های صریح با سیاست و قوانینی که تبعیض بین زن و مرد شمرده می‌شد، سیاست چند همسری، ازدواج موقت، حق طلاق برای مردان، واگذاری صیانت فرزند به پدران و خانواده آن‌ها، عدم امکان ورود به برخی مشاغل از جمله قضا، گرایش تازه زنان به تفسیر اسلام در جهت مساوات طلبانه‌تر به لحاظ جنسیتی، اهمیت یافت. درهای آموزش عالی دینی به روی زنان گشوده شد. در مجله زنان (سرمدیر: شهلا شرکت) مقاله‌های گوناگونی در دفاع از زن به چاپ می‌رسید که از جمله نتایج آن، اجازه یافتن زن در مقام قاضی مشاور بود. این پیشرفت‌ها ناشی از همکاری زنان سکولار و مذهبی بود. زنان عشایری و روستایی نقش مهمی در امرار معاش زندگی به عهده داشتند. ورزش از نظر اسلامی مشروع بود، در جایی که فقط زن حضور داشته باشد. در بعضی ورزش‌ها چنانچه پوشش داشته باشند، حضور مرد هم بلامانع است. روابط بین اعضای خانواده رابطه خشک پدرسالاری نبود؛ بلکه روابط دوستانه بود. در ازدواج جوانان، گفت و گو بین والدین و فرزندان صورت می‌گیرد و در اغلب موارد حق انتخاب با جوانان است.

در سال‌های اول پس از انقلاب، محدودیت‌های بسیاری برای فیلم و سینما وجود داشت، و برای این‌که یک فیلم ساخته و اکران شود، باید مراحلی را می‌گذراند؛ از مرحله نوشتن سناریو تا مرحله بعد از

ساخته شدن؛ اما بعدها در آذر ۱۳۶۶ امام خمینی مقررات اخلاقی را جایگزین کرد. بسیاری از فیلم‌ها مجوز گرفتند؛ حتی بعضی از آن‌ها در جشنواره‌های مختلف برنده جایزه شدند و ارزش مورد نیاز خود را به دست آوردند. از جمله این فیلم‌ها دو زن، آدم برفی، زیر نور ماه، ارتفاع پست و خانه‌ای روی آب بود. فیلم‌سازان موفق چون مهرجویی، بیضایی، کیارستمی، حاتمی‌کیا، بنی‌اعتماد و تهمینه میلانی را می‌توان نام برد؛ البته هنر فقط به سینما محدود نمی‌شد؛ بلکه در زمینه‌های دیگر مثل رمان، شو، موسیقی و نقاشی و... نیز رو به پیشرفت و گسترش بودند.

در سال‌های اخیر عقاید جدید سیاسی و دینی شکوفا شد، و دیدگاه‌های بسیاری وجود داشت. مطبوعات در توسعه فکری و سیاسی به ویژه از سال ۱۳۶۸ به بعد یک نیروی عمده بود. سرکوب جدی مطبوعات در بهار سال ۱۳۷۹ پس از حمله حکومت به اصلاح‌طلبان و از پی کنفرانس برلین آغاز شد. برخی از روزنامه‌نگاران از جمله اکبر گنجی به انتقاد تند دست می‌زدند و به سبب این انتقادات و کتاب‌هایش روانه زندان شد. اصلاح‌طلبانی که بر اسلام تأکید داشتند، به طور معمول راهی در پیش گرفتند که به مدرن‌گرایی اسلامی شهرت داشت، و بر این ادعا مبتنی بود که همه ارزش‌های مثبتی که آن‌ها در غرب مشاهده می‌کردند، مانند علم، حکومت انتخابی، وضعیت بهتر زنان و نظایر آن‌ها، در اسلام اگر به درستی درک شود، دریافت می‌شود.

مجتهد شبستری می‌گوید: تنها ارزش عام حکومت و جامعه باید با دین سازگار باشد؛ اما احکام خاص باید تغییر کند. او از بحث رو در رو با محافظه‌کاران اجتناب می‌ورزید. کدیور، عقیده شبستری را قبول داشت و او ولایت فقیه را معایر جمهوری‌خواهی می‌داند، و خواستار جدایی دین و دولت است. آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان با بیانیه‌ای تند که حکومت روحانیان را مورد حمله قرار می‌داد، استعفا کرد و از آیت الله منتظری که در بازداشت خانگی بود، پیروی می‌کرد. صانعی فتواهای روشن‌بینانه در مورد زن و تبعیض قومی و جنسی صادر کرد. همچنین یوسفی اشکوری به سبب شرکت در کنفرانس برلین و اظهارات او به ویژه در مخالفت با حجاب اجباری، بازداشت شد.

در ایران اقلیت‌های مختلف وجود دارند که قانون اساسی نیز یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان را به رسمیت می‌شناسد. یهودیان که گاه آن‌ها را طرفدار اسرائیل می‌پنداشتند، در رنج بودند و اکثریت به اسرائیل یا امریکا در سال‌های پس از انقلاب گریختند. بهایی‌ها که مرتد از اسلام به شمار می‌آمدند، و تعداد آن‌ها خیلی کم بود، در سال ۱۳۶۴ تجربیات تلخی از اعدام و سرکوب را دیدند. افراد سنی که در زاهدان در غرب بین کردها، ترکمن و... زندگی می‌کردند و می‌کنند، گاه مورد تبعیض واقع می‌شدند؛ برای مثال در ساختن مجلس، داشتن نماینده و... قومیت‌هایی از قبیل کرد و ترک و لر و...

تا قبل از انقلاب حتی استفاده از زبان محلی ممنوع بود؛ اما دولت خاتمی از همان ابتدا به حمایت از آن‌ها پرداخت. زبان محلی آزاد شد. روزنامه، نوار، موسیقی، کتاب و برنامه‌های مختلف به زبان‌های محلی می‌توانست وجود داشته باشد، و تغییرات در سال‌های اخیر تا حدی در جهت برآوردن خواست‌های اقلیت‌ها حرکت کرده است.

واقعه‌نگاری حوادث پس از انقلاب اسلامی بر اساس مطالب کتاب

سیاست و اقتصاد در دوره آیت‌الله خمینی ره

انقلاب ۱۳۵۷ ایران مثل بسیاری از انقلاب‌ها با ائتلاف چندین گروه و حزب ناهمگون که مخالف رژیم پهلوی بودند، به پیروزی رسید که این ائتلاف پس از پیروزی چندان دوام نیاورد. این احزاب که پس از انقلاب به فعالیت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت پرداختند، عبارت بودند از:

حزب نهضت آزادی: این حزب را مهدی بازرگان با اهداف دموکراسی، ملی‌گرایی و مخالفت با حکومت عالمان تشکیل داد. در دولت پس از انقلاب نقاط مهمی از جمله یک سوم وزارتخانه‌ها را تحت تصدی داشتند. عدم اختیار کافی و ضعیف شدن و کناره‌گیری و مرگ افراد مؤثر، اصرار به داشتن روابط با آمریکا و سرپیچی دانشجویان از تخلیه سفارت امریکا که به کناره‌گیری دولت موقت انجامید، باعث ضعیف شدن حزب شد.

حزب جمهوری خلق مسلمان: این حزب را شریعتمداری با اهداف دموکراسی، ملی‌گرایی، مخالفت با حکومت عالمان تشکیل داد. این حزب در دولت جدید جایی نداشت. سرکوب شورش این حزب در تبریز در ۱۳۵۸ باعث شد که از صحنه سیاسی ایران خارج، و در سال ۱۳۶۱ منحل شود. جبهه ملی: این حزب با اهداف ملی‌گرایی، لیبرال‌گرایی و غیردینی تشکیل شد. افراد این حزب یک سوم وزارتخانه‌های دولتی را در اختیار داشتند. علل انحلال این حزب، تحریم رفراندوم ۱۳۵۸ و متهم شدن به کودتا ضد دولت است.

جبهه دموکرات ملی: این حزب را هدایت‌الله متین‌دفتری تشکیل داد. در دولت جایی نداشت و به علت تحریم رفراندوم ۱۳۵۸ و حمایت از درخواست‌های قوم‌های مختلف ایران و فرار متین‌دفتری از ایران، منحل شد.

مجاهدین خلق: این حزب پیش از انقلاب هم در ایران فعالیت داشت و در اواخر حکومت رژیم پهلوی به علت پیگیری‌های ساواک، بسیار ضعیف شد. بعد از انقلاب هم، به علل حمایت از شورش کردها، مخالفت با ولایت فقیه، تحریم رفراندوم و قانون اساسی، مظنون بودن به بمب‌گذاری و ترور

پیروانش، قلع و قمع و از صحنه سیاسی ایران حذف شد. این حزب پس از نابودی در ایران به پاریس رفت و شورای ملی مقاومت را تشکیل داد، و بعد از آن، به بغداد رفت و تا قبل از اشغال عراق از متحدان حکومت صدام بود.

چپ غیرمذهبی: یکی از آن‌ها حزب توده بود که به اتهام جاسوسی برای شوروی در سال ۱۳۶۱ منحل شد.

فداییان خلق: این حزب به دو دسته اقلیت و اکثریت تقسیم شد: دسته اکثریت از امام خمینی حمایت می‌کرد، و تا سال ۱۳۶۲ به کار خود ادامه دادند که در آن سال غیر قانونی اعلام شد. دسته اقلیت به علت حمایت از شورش‌های مختلف در ایران سرکوب، و از صحنه سیاسی کشور حذف شد. انجمن حجتیه: هدف از تشکیل حزب قبل از انقلاب، مبارزه ضد بهاییان بود که تا سال ۱۳۶۲ بعد از انقلاب هم به کار خود ادامه داد؛ ولی در سال ۱۳۶۲ از صحنه سیاسی حذف شد.

اتحادیه کمونیست: این حزب در سال ۱۳۶۰ تشکیل و به سرعت هم نابود شد. گروه دمکرات کردستان: این حزب نیز به سبب ایجاد مشکل برای حکومت مرکزی به داخل مرزهای عراق رانده شد.

حزب جمهوری اسلامی: این حزب بعد از انقلاب به حمایت از حکومت مرکزی (اسلامی) تشکیل شد. دبیر کل آن، شهید آیت الله بهشتی بود. در سال‌های بعد از ۱۳۶۲ به علت منفعل شدن به سبب نبودن رقیب، مسکوت ماند. بعد این حزب به دسته راست اسلامی، و چپ اسلامی تقسیم شد، و در سال‌های بعد این دسته به علت منحل شدن حزب به جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تبدیل شد که اکنون هم وجود دارند. از دیگر نکات برجسته در دوره آیت الله خمینی روند قدرت گرفتن حزب جمهوری اسلامی و به تبع آن دولت مرکزی است. این روند را می‌توان در مراحل ذیل خلاصه کرد.

۱. دارا بودن قدرت اقتصادی به سبب وصل بودن به بازار؛
۲. برخورداری از قدرت نظامی به سبب وصل بودن به سپاه پاسداران و حزب الله؛
۳. تعیین امامان جمعه برای شهرهای گوناگون به وسیله امام خمینی؛
۴. مخالفت در کار دولت موقت؛
۵. ترور مخالفان (به وسیله دیگران)؛
۶. سرکوب شورش‌های مختلف؛
۷. ملی کردن صنایع و بانک‌ها؛

۸. به انحصار درآوردن قوه قضائیه؛
۹. تعدیل و پاک‌سازی سازمان‌ها؛
۱۰. اعدام مخالفان به وسیله دادگاه‌های انقلاب؛
۱۱. رهبری سپاه پاسداران؛
۱۲. پاک‌سازی نیروهای مسلح تا حمله عراق به ایران؛
۱۳. تشکیل بنیاد مستضعفان؛
۱۴. تشکیل جهاد سازندگی؛
۱۵. مورد حمله قرار گرفتن دولت موقت به وسیله مخالفان که به تضعیف آن کمک کرد مثل حزب توده؛
۱۶. برگزاری رفراندوم که ۹۸ درصد آن مثبت بود؛
۱۷. پیش‌نویس قانون اساسی؛
۱۸. تحریم انتخابات خیرگان به وسیله جبهه ملی، جبهه دموکراتیک ملی و چندین گروه قومی و چپ‌گرا؛
۱۹. قانون مطبوعات: بستن روزنامه‌ها، به تاراج رفتن دفاتر آن‌ها و دادن اداره روزنامه‌ها به بنیاد مستضعفان؛
۲۰. تصویب متن قانون اساسی که قدرت روحانیان را افزایش داد و اختیارات ولایت فقیه را زیاد کرد؛
۲۱. تشکیل مجلس و در اختیار گرفتن نیمی از کرسی‌ها به وسیله روحانیان، رفسنجانی رئیس مجلس شد؛
۲۲. انقلاب فرهنگی؛
۲۳. حمله عراق به ایران که باعث وحدت ایرانیان، همسو شدن شور شیعی و عرق ملی، احیای نیروهای مسلح، تقویت سپاه پاسداران و بسیج پیروان امام خمینی شد؛
۲۴. حمله عراق به ایران پیامدهای دیگری هم در پی داشت:
- ا. به دست گرفتن رهبری بسیج؛
- ب. شدت گرفتن سرکوبی مثل بستن روزنامه‌های مجاهدین؛
- ج. گرفتن مسؤولیت توزیع ارزاق عمومی از طریق مساجد به وسیله روحانیان؛
- د. کارشکنی‌های بنی‌صدر و حذف او از صحنه سیاسی ایران؛

۲۵. اعلام قائم مقامی رهبری آیت الله منتظری؛
۲۶. طغیان مجاهدین خلق و سرکوب آن‌ها؛
۲۷. انحلال حزب جمهوری اسلامی و تقسیم آن به دو حزب مجمع روحانیون مبارز و جامعه روحانیت مبارز؛
۲۸. پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸؛
۲۹. ایجاد دادگاه‌های ویژه روحانیت؛
۳۰. اعدام مهدی هاشمی و باند وی؛
۳۱. دستور به منتظری برای استعفا؛
۳۲. تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۳۳. بازنگری قانون اساسی: افزایش ویژگی‌های سیاسی ولایت فقیه؛
۳۴. درگذشت امام؛
۳۵. جایگزین شدن آیت الله خامنه‌ای به جای وی؛
- درگذشت امام خمینی در خرداد ۱۳۶۸، ایران را با یک حکومت نسبتاً قدرتمند، اما با مشکلات عظیم اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی باقی گذاشت.
- رابطه با آمریکا در خلال این سال‌ها فرایند ذیل را پیموده است:
۱. دولت موقت، خواستار رابطه بهتر بود؛
 ۲. آمریکا شاه را پذیرفت؛
 ۳. عدم ارجاع پول‌های ایران که در آمریکا بود، به وسیله آن کشور؛
 ۴. تسخیر سفارت به وسیله دانشجویان و گروگان‌گیری کارکنان سفارت؛
 ۵. انجام عملیات نظامی آمریکا برای آزادسازی گروگان‌ها؛
 ۶. ترغیب عراق به حمله به ایران؛
 ۷. موافقت‌نامه جهت مبادله گروگان‌ها با پول‌های ایران و عدم مداخله آمریکا در امور ایران؛
 ۸. تحریم اقتصادی آمریکا ضد ایران؛
 ۹. جریان ایران گیت.
- روابط ایران با دیگر کشورهای جهان روند ذیل را پشت‌سر گذاشته است.
۱. روابط با عربستان بعد از حج ۱۳۶۶ تیره شد؛
 ۲. روابط با اروپا بعد از جریان سلمان رشدی تیره شد؛

۳. روابط با شوروی و کشورهای بلوک شرق کمی بهبود یافت؛
۴. کویت، عربستان و امریکا همه به عراق ضد ایران کمک می‌کردند.

سیاست و اقتصاد در ایران پس از خمینی

ایران بعد از سال ۱۳۶۸ روند رو به پیشرفتی را با دو رئیس‌جمهوری و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای احساس کرده است.

وضعیت اقتصادی در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی را می‌توان به این شرح برشمرد:

۱. خرابی‌های ناشی از جنگ؛
 ۲. تورم، بیکاری، کسری بودجه، وابستگی به نفت، کاهش خودکفایی کشاورزی؛
 ۳. تدوین ۲ برنامه پنجساله (بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، بهبود زیرساخت‌ها، افزایش تولید، رشد از طریق سرمایه‌گذاری)؛
 ۴. بازگشایی بورس تهران؛
 ۵. منطقه آزاد اعلان شدن جزایر کیش و قشم؛
 ۶. گرفتن وام از صندوق بین‌المللی پول و اجرای سیاست‌های تعدیلی؛
 ۷. رسوایی در خصوصی‌سازی برنامه پنجساله اول (تعلیق برنامه‌ها)؛
 ۸. تصویب قوانین جدید در مجلس به نفع جانبازان؛
 ۹. بالا رفتن بدهی‌های ایران؛
 ۱۰. تحریم اقتصادی ایران به وسیله امریکا؛
 ۱۱. پایین آمدن قیمت نفت و کاهش تولید؛
 ۱۲. تورم ۳۱ درصدی سالیانه؛
 ۱۳. کاهش سطح زندگی کارگری که به شورش کارگران انجامید. این شورش‌ها به وسیله دولت مرکزی سرکوب شدند.
- ارتباط با کشورهای خارجی بسیار بهبود یافت؛ ولی مسائل مبهمی مثل ترور اسرائیلی‌ها در کشورهای دیگر، هنوز هم مانع روابط کاملاً خوب با کشورهای مختلف جهان است.
- وضعیت اقتصادی در زمان آقای خاتمی، عملاً مسدود ماند. بعد از ۲ سال، با شروع برنامه پنجساله سوم سعی بر تثبیت موارد ذیل شد:
۱. ترویج حاکمیت قانون؛

۲. صادرات غیر نفتی؛
 ۳. خصوصی سازی؛
 ۴. آزادگذاری: یعنی این که خارج از دولت هم می‌توان به فعالیت‌های بزرگ اقتصادی (در واقع طرح اقتصاد آزاد) دست زد؛
 ۵. گرفتن مالیات از فراریان مالیاتی و جدی گرفتن بحث مالیات در اقتصاد.
- وضعیت سیاسی داخلی ایران در زمان خاتمی به این شرح است:
 ۱. انتخاب خاتمی با اکثریت آرا در سال ۱۳۷۶؛
 ۲. برگزاری اجلاس سران؛
 ۳. سخنان آیت الله منتظری در مورد کاهش شدید اختیارات رهبری (وی گفت صاحب این مقام باید نظارت کند نه حکومت)؛
 ۴. دستگیری کرباسچی شهردار سابق تهران؛
 ۵. تظاهرات دانشجویان ضد دستگیری کرباسچی؛
 ۶. حمله پلیس به دانشجویان؛
 ۷. استیضاح وزیر کشور (نوری)؛
 ۸. بستن روزنامه‌ها؛
 ۹. تشکیل دادگاه مطبوعات؛
 ۱۰. قتل‌های زنجیره‌ای؛
 ۱۱. درخواست پاکسازی نیروهای امنیتی؛
 ۱۲. دستگیری یهودیان؛
 ۱۳. انتخاب شوراها؛
 ۱۴. انتخابات مجلس پنجم؛
 ۱۵. انتخابات مجلس ششم؛
 ۱۶. سالگرد تظاهرات ۱۳۷۸: تظاهرات دانشجویی ضد بستن روزنامه سلام و دستگیری سردبیر آن روزنامه بود که با سرکوب شدید همراه شد. این تظاهرات در چند شهر ادامه داشت و تا چند سال بعد برای آن سالگرد گرفته شد؛
 ۱۷. استعفای مهاجرانی؛
 ۱۸. کنفرانس برلین؛

۱۹. پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ۱۳۸۰؛

۲۰. حکم اعدام دانشجویی؛

۲۱. طرح همه‌پرسی در مورد اصلاحات.

در این دوره در کل ارتباط با امریکا در هاله‌ای از ابهام است. از روند اوضاع چنین برمی‌آید که امریکا نمی‌خواهد با ایران رابطه داشته باشد. هر چه ایران در مورد افغانستان و عراق حسن نیت نشان داد و هر چه آقای خاتمی کوشید با نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها این دو کشور را در واقع ملت این دو کشور را آشتی دهد، امریکا بهانه‌ها و مشکلات دیگری تراشید که آینده روابط را به هم ریخت. امریکا منتظر سقوط حکومت ایران است که آن هم مسأله ساده‌ای نیست که به همین راحتی بتوان آن را پیش‌بینی کرد.

در این دوره رهبر انقلاب اسلامی یعنی آیت‌الله خامنه‌ای به دنبال تحکیم پایه‌های قدرت خود بود، و در این بین، گاهی از اصلاحات طرفداری کرده، و گاهی به مخالفت با آن پرداخته است، و هاشمی رفسنجانی بعد از ریاست جمهوری به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد.

جامعه، جنسیت، فرهنگ و زندگی فکری

در فصل سوم که جامعه، جنسیت، فرهنگ، و زندگی فکری را مورد بررسی قرار می‌دهد، نکات ذیل قابل تأمل است.

۱. بهبود بهداشت عمومی؛
۲. تحصیل رایگان تا قبل از دانشگاه؛
۳. بالا رفتن نرخ سواد در زنان؛
۴. پیدایی طرح پیکار با بی‌سوادی: سواد آموزی بزرگسالان؛
۵. پیدایی خانه‌های بهداشت، با همکاری یک مرد و یک زن که اغلب زن و شوهر بودند؛
۶. بهبود وضع روستاها؛
۷. کنترل جمعیت: یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای در پایان دهه ۶۰ مجاز شدن تنظیم خانواده با استفاده از فتوای مراجع در دستور کار دولت قرار گرفت؛
۸. کم شدن مرگ و میر میان مادران باردار و نوزادان؛
۹. افزایش جمعیت؛
۱۰. افزایش ارتباطات: گسترده شدن تلویزیون به چندین کانال، برخورداری استان‌های مختلف از تلویزیون محلی، وجود رایانه، دسترسی به اینترنت؛

۱۱. مشکل مواد مخدر: به ویژه میان جوانان که اغلب تهیدست نیستند، و به علت بدبینی و بی‌تفاوتی فراگیر، به مواد مخدر روی می‌آورند؛
۱۲. مشکل ایدز (HIV+) به ویژه در زندان‌ها و میان مصرف‌کنندگان مواد مخدر؛
۱۳. ارائه طرح انطباق که با اعتراضات دانشجویان پزشکی به حق انتخاب پزشک زن به وسیله زنان تبدیل شد؛
۱۴. بهبود وضع آب آشامیدنی؛
۱۵. وضعیت فرهنگی که یک سیر آزادگرایانه در مقایسه با اوایل انقلاب داشته است؛
۱۶. وضعیت زنان که از لحاظ حقوقی به صفر رسیده بود تا حدی بهبود یافت. در مقابل از دست دادن شغل خود، به دیگر مشاغل روی آوردند. در ورزش به کامیابی دست یافتند. در میدان مبارزه برای احقاق حقوق از دست رفته زنان، گروه‌های متضاد چه مردانه چه زنانه با هم همکاری می‌کنند؛
۱۷. سینما نیز رو به بهبود گذاشته است. ورود فیلم‌سازان زن به عرصه سینما و برداشتن محدودیت‌ها در زمان آقای خاتمی از جمله علل بهبود است؛
۱۸. نگرش‌های جدید به دین و تفسیرهای متفاوت از آن در این دوره آزادانه‌تر بحث و عنوان می‌شود که از این طریق می‌توان روابط با مردم را بهبود بخشید؛ البته این نگرش‌ها و بحث‌های پیرامون آن، زیر نظر اصلاح‌طلبان مجاز است و اگر از آن فراتر رود، با مقابله و عکس‌العمل روبه‌رو خواهد شد.
۱۹. نقد و مخالفت با ولایت فقیه از طرف روحانیان و غیر روحانیان مطرح شده است، و حکومت تا جایی که توانسته با آن مخالفت کرده است.
۲۰. جوامع اقلیت چه قومی - نژادی و چه دینی در ایران بسیاری که نارضایی گروه‌های قومی ممکن است تمامیت ارضی ایران را با خطر مواجه کند؛ چرا که ممکن است از طرف دیگر کشورها هم حمایت شوند؛ البته وضعیت اقلیت‌ها در زمان آقای خاتمی بهبود یافته است.
- تقریباً در تمام موارد پیش‌گفته به نظر می‌رسد که ایران امروز در دوره گذار است که در آن گرایش به سوی شهرنشینی، آموزش، و تا حدی مدرن‌سازی اقتصاد و جامعه در کنش با عقاید و خواست‌هایی نقش داشته است که با منافع خاص حکومت و روحانیان - بازار ناسازگار است.

نقد کلیات

تا کنون کتاب‌های بسیاری در مورد انقلاب اسلامی نوشته و منتشر شده‌اند که بخشی از این کتاب‌ها از محققان ایرانی و برخی دیگر از محققان غیرایرانی است. میان کسانی که از بیرون

مرزها نگاهی پژوهشی به انقلاب اسلامی داشته‌اند، دو گونه رویارویی با انقلاب اسلامی وجود دارد: اول شامل آن دسته از محققانی است که بر اساس مشاهدات مستقیم خود در کوران انقلاب اسلامی به تحقیق و وصف انقلاب پرداخته‌اند و دیگری، دربرگیرنده جمعی از محققان است که با استناد به آرا و گزارش‌های نویسندگان ایرانی و خارجی، اثری در مورد انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآورده‌اند.

محققان و نویسندگانی چون تدااسکاچ پل، رابرت لونی، مایکل فیشر، جان فوران، میشل فوکو و بسیاری دیگر، اسامی غیرایرانی آشنا برای علاقه‌مندان به مطالعات در مورد انقلاب اسلامی هستند؛ البته جای خالی ترجمه مطالعات نظری دقیق محققان غیرایرانی در بازار کتاب درباره انقلاب اسلامی ایران، خیر از یک ارتباط متقابل میان سطح نازل عرضه این‌گونه مطالعات و تقاضای نازل‌تر آن در بازار نشر دارد. کتاب نتایج انقلاب ایران یکی از جلوه‌های افول این مطالعات است که در ردیف آثار ترجمه شده محققان غیرایرانی قرار می‌گیرد. کتاب مذکور، سومین کتابی است که از این نویسنده به فارسی ترجمه می‌شود.

وی به سال ۱۳۵۵/۱۹۶۶ پژوهشی در مورد انقلاب مشروطه و جنبش تنباکو در ایران انجام داد. این پژوهش با عنوان تحریم تنباکو در ایران، در سال ۱۳۵۶ با ترجمه شاهرخ قائم‌مقامی به وسیله انتشارات تیسفون و با همکاری مؤسسه انتشاراتی فرانکلین منتشر شد. وی در پژوهش خود از تحریم توتون و تنباکو در ایران به صورت جنبشی مردمی و موفق یاد کرده، و آن را متضمن نخستین اتحاد توفیق‌آمیز میان عالمان، اصلاح‌طلبان متجدد و جماعت ناراضی ایران تلقی کرد. آثار او در ایران پیش از انقلاب، چنان‌که خود اذعان دارد، به طور عمده با نقدها و بررسی‌های منفی روبه‌رو بود. کدی مخالفت‌ها و نقدها را به ملی‌گرایانی نسبت می‌دهد که با عالمان مخالف پهلوی موافق نبودند. وی آورده است: چند سال پیش که ریشه‌های انقلاب ترجمه شد، به سبب آنچه درباره توسعه و مشکلات مدرن ایران می‌گفت، به سرعت مورد بحث مثبت قرار گرفت.

کتاب ریشه‌های انقلاب، در واقع دومین کتابی بود که از او به فارسی ترجمه شد (ریشه‌های انقلاب: تاریخ تفسیری ایران معاصر، نیکی آر. کدی، ترجمه عبدالکریم گواهی، نشر قلم، ۱۳۶۹). ریشه‌های انقلاب، کتابی مشتمل بر نه فصل بود که جریان مدرن‌سازی ایران را از قرن نوزدهم بررسی می‌کرد ضمن این‌که به قاجاریه، رضاشاه و جنگ‌های ایران، فصول جداگانه‌ای اختصاص داده بود. این کتاب با فصل نهم که در مورد انقلاب بود، به پایان می‌رسید. پس از گذشت ۲۲ سال از انتشار آن، مدیران انتشارات دانشگاه ییل، تجدید چاپ و بازنگری کتاب را به نیکی آر. کدی

پیشنهاد کردند که کدی ضمن بازنگری، سه فصل به کتاب پیشین اضافه کرد. کتاب نتایج انقلاب ایران، ترجمه فصول دهم، یازدهم و دوازدهم کتاب بازنگری شده کدی است که فاقد اصلاحیه‌های کدی بر فصول دیگر است. ضمن این که دارای یک نتیجه‌گیری تازه، پیشگفتار و کتاب‌شناسی و پانوشته‌های بازنگری شده است. فصول الحاقی، ریشه‌های انقلاب، گزارشی از وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ است که به مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران کنونی پیوند می‌خورد. کدی با تشریح چگونگی تولد احزاب و گروه‌ها در انقلاب اسلامی، گزارش خود را آغاز می‌کند و در ادامه به ارائه گزارشی از چگونگی شکل‌گیری نهادهای مهم پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. تأثیر احزاب بر جنگ تحمیلی و حتی پیش و پس از آن، کانون تحقیق کدی را معین می‌کند. با توجه به این که هر از گاه، گریزی به تحلیل‌های اقتصادی دارد. کدی در تحلیل خود، بحث انگیزترین مسأله اجتماعی را زنان می‌داند و در فصل جامعه، جنسیت، فرهنگ و زندگی شهری، به مسائل اجتماعی زنان و آثار انقلاب اسلامی بر آن، تا دوران سیدمحمد خاتمی تأکید می‌کند. پیشرفت زنان در عرصه آموزش، ورزش و هنرها، مهم‌ترین موارد قابل اتکای کدی برای بهبود وضعیت زنان، طی بررسی او از تاریخ ایران معاصر است. وی رشد جمعیت، مطبوعات و الگوهای ازدواج شهری را از عوامل مؤثر در تغییر و تحولات وضعیت زنان در ایران ارزیابی می‌کند.

وضعیت ایران پس از ۱۱ سپتامبر و سیاست‌ خارجی آن، یکی دیگر از مباحث عمده کتاب است که به نتیجه‌گیری نهایی او از وضع ایران معاصر می‌انجامد. کدی معتقد است: خلاقیت و قابلیت‌های مبارزه‌جویانه اثبات شده مردم ایران، باعث امیدواری است که آن‌ها قادر خواهند بود بدون هرگونه مداخله خارجی، تغییرات مطلوب خود را در نظام موجود به عمل آورند. کدی وضعیت حاضر ایران را به لحاظ سیاست‌های داخلی و خارجی، پیچیده ارزیابی و سیاست‌ خارجی ایران را واقع‌بینانه و عمل‌گرا، وصف می‌کند ضمن این که بر ناکامی اقدام‌های مداخله‌جویانه تأکید می‌کند!

نتایج انقلاب ایران، گزارشی از سیاست و اقتصاد تا سینما، روشنفکران و اقلیت‌های قومی را دربر می‌گیرد، و از هر واقعه مهم، حتی در حد چند جمله صرف نظر نمی‌کند. کدی در مقدمه کتاب، مخالفت خود را با کتاب‌های ژورنالیستی مطالعات ایران معاصر ابراز می‌کند و می‌نویسد: چاپ کتاب‌های مهم در حوزه مطالعات ایران در دهه‌های اخیر، به طور عمده مرهون پژوهشگران ایرانی تباری است که آثارشان به هیچ وجه نازل تر یا جانبدارانه‌تر از آثار پژوهشگران غربی نیست. من خود را بسیار وامدار چنین پژوهشگرانی می‌دانم.

نقد اجزا

کتاب پیشین اثری نه چندان قابل توجه در حوزه مطالعات خاورمیانه است. مطالعاتی که با روی کار آمدن نومحافظه کاران در امریکا، اهمیت دوچندانی یافت. علت این امر، رویکرد فعال سیاست خارجی امریکا به منطقه فوق راهبردی خاورمیانه است که با بررسی عملکردها، اقدامها و سیاستگذاری‌های نومحافظه کاران در این ناحیه از جهان، به خوبی قابل لمس است. امریکا اکثر قریب به اتفاق کشورهای خاورمیانه را حول دو محور حقوق بشر یا دفاع از تروریسم، تحت فشار قرار داده است. برخی از کشورها را فقط با یک محور و برخی دیگر را با هر دو محور؛ به طور مثال ترکیه، متحد دیرین امریکا در منطقه خاورمیانه با ابزار حقوق بشر به وسیله نومحافظه کاران تحت فشار است یا عربستان که روزگاری نه چندان دور، نزدیک‌ترین دوست امریکا در منطقه بود، به شدت پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر با ابزار حمایت از تروریسم، از سوی دولت بوش تحت فشار است. نظام‌هایی نیز چون حکومت جمهوری اسلامی ایران که سابقه ربع قرن مخالفت با تمام سیاستگذاری‌ها و عقاید امریکا را دارد، نه تنها با استفاده از هر دو ابزار حقوق بشر و حمایت از تروریسم، تحت فشار امریکا قرار گرفته که ابزار نو امریکا یعنی تسلیحات هسته‌ای نیز به دو ابزار سنتی وی افزوده شده، و تمام این‌ها باعث شده تا به گمان امریکا، ایران همراه دو کشور عراق سابق (زمان صدام) و کره شمالی، مثلث (محور) شرارت را در دنیا تشکیل دهد. این اتهام برای ایران که پس از حمله امریکا به افغانستان، بسیار به امریکا کمک کرده بود، گران تمام شد و همین امر باعث شد تا ایران در حمله امریکا به عراق کمکی در تسکین و آرامش سیاسی عراق، چندان که مورد دلخواه نومحافظه کاران بود نکند؛ در صورتی که ایران در این خصوص قدرت و پتانسیل قابل توجهی دارد.

تمام نکات دیپلماتیک پیشین، به همراه اقامت چندین میلیون ایرانی در امریکا و از همه مهم‌تر این‌که ایران یگانه کشوری است که رابطه میان دو ناحیه راهبردی در خاورمیانه یعنی خلیج همیشه فارس، و دریای خزر است، باعث شده نقش ایران در تمام معادله‌های خاورمیانه غیرقابل انکار باشد؛ از این رو مطالعات وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور (ایران) به وسیله پژوهشگران امریکایی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. کدی نیز در این کتاب، برای مروری کاملاً اجمالی بر اوضاع ایران، و کمی پیش از انقلاب تا زمان حال کوشیده است. کتاب برای کسی که هیچ‌گونه آشنایی با اوضاع ایران ندارد می‌تواند منبع بسیار جالب، خلاصه و چکیده‌ای باشد؛ ولی برای پژوهشگران و متخصصان این امر، حرفی برای گفتن ندارد. گویی وی فقط تیتراهای مهم روزنامه‌های چندین سال را مطالعه کرده و کمی نیز آن‌ها را با توضیح در کتاب آورده است. در مجموع کتاب پیش‌گفته از چندین جهت قابل نقد و بررسی است.

اطلاعات شخصی نیکی آر. کدی از ایران و شرایط ایران
اشاره کدی در اول کتاب به همزمانی انتشار این کتاب با چهار مورد ذیل:
۱. ۵۰ سال از کودتایی که محمد مصدق، نخست وزیر ملی ایران را سرنگون کرد، سپری شده
است.

۲. بیست و پنج سال از عمر نظام جمهوری اسلامی ایران سپری شده است.

۳. شش سال از انتخاب قاطع سیدمحمد خاتمی به ریاست جمهوری می‌گذرد.

۴. مبارزه ادامه دارد.

اشاره‌های پیشین نشان از بررسی دقیق و جالب کدی از همزمانی نشر کتاب با موارد پیش‌گفته
دارد و از این چهار موضوع، موضوعات سوم و چهارم، محورهای نگارش کتاب واقع شده‌اند و از
اصلی‌ترین محور با توجه به وضعیت فعلی ایران یعنی «مبارزه ادامه دارد»، به صورت قابل
ملاحظه‌ای چشم‌پوشی شده است. با توجه به کاربرد لفظ مبارزه، به خوبی می‌توان متوجه شد که
افکار و نوشته‌های وی بیشتر ناشی از تبلیغات و اخبار رسانه‌های غربی در خصوص ایران است تا
منابع داخلی، و حتی می‌توان گفت: وی به شدت در این خصوص تحت تأثیر مخالفان و معاندان نظام
است که در خارج از ایران به سر می‌برند و این تأثیرپذیری تا قبل از خوش‌بینی وی به آینده وضعیت
ایران، در کتاب موج می‌زند.

